

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين لا سيما بقیة الله في الارضين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين
قال الله عزوجل: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»^۱

بیان مقامات و منزلت های صدیقه طاهره سلام الله علیها آن هم از ناحیه شخص پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بخشی از ابلاغ و دعوت رسول الله هست نسبت به ولایت و امامت امیر المومنین سلام الله علیه. پیغمبر اکرم منزلت و عظمت صدیقه طاهره سلام الله علیها را قولاً و فعلاً نشان دادند. بنده همیشه ملتزم هستم و تعهد دارم که هم مستند حرف بزنم و هم با متانت حرف بزنم؛ لذا کسی نباید از عرایض بنده ناراحت بشود، چون به حول و قوه الهی و با عنایات امیر المؤمنین هم مستدل حرف می زنم و هم منطقی می گویم و آنچه را که می گویم از خودم نیست. عرایض من در بیان عظمت صدیقه طاهره از لسان رسول الله به روایت بزرگان عامه، در سه فصل خواهد بود.

فصل اول: فاطمه زهرا سلام الله علیها قبل از این عالم.

فصل دوم: فاطمه زهرا سلام الله علیها در این عالم.

فصل سوم فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از این عالم.

و همه این مطالب را که عرض خواهم کرد از روایات دست اول علماء اهل سنت هست.

آنچه را پیغمبر اکرم در خصوص صدیقه طاهره سلام الله علیها می فرمایند، قطعاً با توجه به آنچه که بعد از ایشان واقع خواهد شد، بوده است. تمام اقوال و افعال پیغمبر اکرم در رابطه با صدیقه طاهره و بیان عظمت ایشان با توجه به آنچه که بعد از ایشان واقع خواهد شد، انجام شده. اینکه گفته شود پیغمبر اکرم نمی دانستند بعد از خودشان چه خواهد شد که خیلی غلط است. اینکه گفته شود که پیغمبر اکرم با علم به آنچه خواهد شد بعد از خودشان تعیین تکلیف امت نکرده باشند، که خیلی غلط است. به اعتقاد بنده آنچه را که در مورد صدیقه طاهره به دست ما رسیده از پیغمبر اکرم بعد از خودشان جزو تعیین تکلیف بعد از خودشان و تمام دخل را در مسائل ولایت و امامت دارد. صرفاً ابراز علاقه به دخترشان نبوده. صرفاً بخواهند فضائل و مناقب دخترشان را بیان بکنند، نبوده است.

فصل اول: صدیقه طاهره قبل از این عالم

روایات فراوانی داریم که صدیقه طاهره و پیغمبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام از یک نور خلق شده اند.

- خلقت نوری صدیقه طاهره سلام الله علیها

حدیث از سلمان فارسی است رضی الله تعالی عنه سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يقول: «خلقت انا و علی بن ابی طالب من نور عن یمین العرش نسبح الله و تقدسه من قبل ان یخلق الله عز و جل آدم بأربعه عشر الف سنه فلما خلق الله آدم نقلنا الی اصلاّب الرجال و ارحام النساء الطاهرات ثم نقلنا الی صلب عبدالمطلب و قسّمنا نصفین فجعل النصف فی صلب أبی عبد الله و جعل النصف فی صلب عمی ابی طالب فخلقت من ذلك النصف و خلق علی من النصف الآخر و اشتق الله لنا من اسماءه اسماء فله عزوجل المحمود و انا احمد، الله الاعلی و اخی علی، الله الفاطر و ابنتی فاطمه، الله محسن و ابنای الحسن الحسین»^۲

۱. نحل / ۱۲۵.

۲. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۴۱، حدیث ۵؛ نفاتح الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار، ج ۵، ص ۸۷.

این حدیث را به این لفظ جمعی از محدثین عامه روایت کرده اند. همان نوری که پیغمبر اکرم و امیر المومنین از آن بودند، صدیقه طاهره و حسنین از همان نور خلق شدند.

در روایتی دیگر آمده که از یک شجره خلق شده اند. «قال رسول الله: ان الله خلق الانبياء من اشجار شتى و خلقنى و علياً من شجره واحده فانا اصلها و على فرعها و فاطمه لقاحها و الحسن و الحسين ثمرها و لو ان عبدا عبد الله بين الصفا و المروه الف عام ثم الف عام ثم الف عام ثم لم يدرك محبتنا اكبه الله على منخريه فى النار ثم تلا: قل لا اسئلكم عليه اجرا الا الموده فى القربى»^۳

- روایاتی داریم که صدیقه طاهره و سایر اهل بیت، سبب خلقت حضرت آدم و کل مملکت و ملکوت هستند.

این حدیث را از منابع عامه می خوانم تا کسی نگوید که این غلو هست. «عن النبي صلى الله عليه و آله و سلم انه قال لما خلق الله تعالى ابا البشر و نفخ فيه من روحه التفت آدم يُمَنِّه العرش فاذا فى النور خمسه اشباح سجداً و ركعاً قال آدم: يا رب هل خلقت احداً من طين قبلى؟ قال لا يا آدم. قال فمن هؤلاء الخمسه الذين أراهم فى هياتى و صورتى؟ قال هؤلاء خمسه من ولدك، لولاهم ما خلقتك هؤلاء خمسه شقت لهم خمسه اسماء من اسمائى لولاهم ما خلقت الجنة و لا النار و لا الجن و لا العرش و لا الكرسي و لا السماء و لا الارض و لا الملائكة و لا الانس و لا الجن فانا المحمود و هذا محمد، و انا العالى و هذا على، و انا الفاطر و هذه فاطمه، و انا الاحسان و هذا الحسن و انا المحسن و هذا الحسين آيت بعزتى انه لا يأتينى احد بمثقال حبه من خردل من بغض احدهم الا ادخلته نارى و لا ابالى، يا ادم هؤلاء صفوتى بهم انجيهم و بهم اهلكم فان كان لك بهم الى حاجه فبهؤلاء توسل»^۴.

حافظ سيوطى^۵ در ذیل آیه مبارکه «فتلقى آدم من ربه كلمات» می گوید: «اخرج ابن النجار، عن ابن عباس قال: سألت رسول الله صلى الله عليه و آله عن الكلمات التي تلقى آدم من ربه فتاب عليه». صدیقه طاهره و اهل بیت عليهم السلام وسیله قبول توبه حضرت آدم بودند. ابن عباس سوال می کند و پیغمبر اکرم جواب می دهند: از خدا خواست و دعا کرد بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين الا تبت علی، فتاب عليه.^۶ این حدیث را ابن النجار، دارقطنی^۷، ابن المغازلی^۸، سیوطی آورده اند.

- روایات متعددی آمده که در معراج برای پیغمبر اکرم میوه ای آوردند از بهشت و آن حضرت میل کرده اند و نطفه صدیقه طاهره تشکیل شد. در منابع عامه این حدیث آمده که نطفه صدیقه طاهره از میوه بهشتی تشکیل شده.

۳. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، جزء ۴۲، ص ۶۵. البته حاکم در مستدرک خود به این لفظ روایت را نقل کرده است: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ حَيَوِيَةَ بْنِ الْمُؤَمَّلِ الْهَمْدَانِيُّ، ثنا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبَّادٍ، أَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ بْنُ هَمَّامٍ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ مِينَاءَ بْنِ أَبِي مِينَاءَ مَوْلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ، قَالَ: خَدُّوا عَنِّي قَبْلَ أَنْ تَشَابَ الْأَحَادِيثُ بِالْأَبَاطِيلِ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «أَنَا الشَّجَرَةُ وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرَتُهَا، وَشَبَعَتُنَا وَرَقُهَا، وَأَصْلُ الشَّجَرَةِ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ، وَسَائِرُ ذَلِكَ فِي سَائِرِ الْجَنَّةِ» هَذَا مَثْنٌ شَادُّ، وَإِنْ كَانَ كَذَلِكَ فإِنَّ إِسْحَاقَ الدَّبَرِيُّ صَدُوقٌ، وَعَبْدُ الرَّزَّاقِ وَأَبُوهُ وَجَدَهُ نَقَاتٌ، وَمِينَاءُ مَوْلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ قَدْ أَدْرَكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَسَمِعَ مِنْهُ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ «المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۳، ص ۱۷۴».

۴. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۶؛ نفاتح الأزهار فى خلاصة عبقات الأنوار، ج ۴، ص ۲۱۵.

۵. از محدثین معتبر در قرن دهم است. می گویند مجدد قرن دهم هست. او تفسیری دارد به نام الدر المنثور که تفسیر قرآن به حدیث است.

۶. الدر المنثور فى تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۶۱

۷. درباره ابولحسن دارقطنی بغدادی (که در قرن چهارم بوده است) می گویند: امیرالمومنین فى الحدیث.

۸. مناقب علی لابن المغازلی، ص ۱۱۵.

«قال رسول الله اتاني جبريل بسفرجله^٩ من الجنة فاكلتها ليله اسرى بي (در معراجشان بوده و از بهشت بوده) فعلمت خديجه بفاطمه فكنت اذا اشتقت الي رائحة الجنة شممت رقبه فاطمه»

این حدیث را حاکم نیشابوری^{١٠}، ابوالقاسم طبرانی، خطیب بغدادی و سیوطی^{١١} روایت کرده اند.

فصل دوم: صدیقه طاهره در این عالم

مطالبی را که انتخاب کرده ام، تمام حرف ها نیست.

- در منابع معتبر اهل سنت آمده: هرگاه صدیقه طاهره بر رسول الله وارد می شدند، رسول الله به تمام قامت می ایستادند و استقبال می کردند از صدیقه طاهره و خوش آمد می گفتند و صدیقه طاهره را می بوسیدند و در جای خودشان می نشاندند. یعنی حضرت رسول از محل نشستن خود کنار می رفتند. صدیقه طاهره روزی چند بار بر رسول الله وارد می شدند و همیشه این اتفاق تکرار می شده است. خانه هایشان و اتاقهایشان کنار هم بوده.

این حدیث از ازوج پیغمبر اکرم نقل شده: «كانت اذا دخلت عليه رحب بها (خوش آمد می گفتند) و قام اليها (به تمام قامت می ایستادند و استقبال می کردند) فاخذ بيدها فقبلها (ضمیر قبلها را اگر به ید برگردانیم؛ که پیغمبر اکرم دست صدیقه طاهره را می بوسیدند، در منابع ما تصریح شده به اینکه دست ایشان را می بوسیدند) و اجلسها في مجلسه»^{١٢}.

٩. میوه، به بوده است.

١٠. المستدرک علی الصحیحین، ج ٣، ص ١٦٩، باب ذکر مناقب فاطمة بنت محمد صلی الله علیه وآله. حدیث ٤٧٣٨ «حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ الْفَاضِلُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، إِمْلَاءُ غُرَّةِ ذِي الْقَعْدَةِ سَنَةَ اثْنَتَيْ وَأَرْبَعِمِائَةٍ، ثنا أَبُو الْحُسَيْنِ عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُكْرَمِ بْنِ أَحْيَى الْحَسَنِ بْنِ مُكْرَمِ الْبَزَارِ بَغْدَادَ، ثنا مُسْلِمُ بْنُ عَيْسَى الصَّفَّارُ الْعَسْكَرِيُّ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ دَاوُدَ الْخَرِيبِيُّ، ثنا شَهَابُ بْنُ حَرْبٍ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: " أَتَانِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِسَفْرَجَلَةٍ مِنَ الْجَنَّةِ، فَأَكَلْتُهَا لَيْلَةَ أُسْرِي بِي، فَعَلِمْتُ خَدِيجَةَ بِفَاطِمَةَ، فَكُنْتُ إِذَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رَقَبَةَ فَاطِمَةَ " .

١١. الدر المنثور في تفسیر المأثور، ج ٤، ص ١٥٣

١٢. همان، ص ١٥١: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الصَّغَانِيُّ، ثنا عُثْمَانُ بْنُ عُمَيْرٍ، ثنا إِسْرَائِيلُ، عَنْ مَيْسَرَةَ بْنِ حَبِيبٍ، عَنِ الْمُنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ عَائِشَةَ بِنْتِ طَلْحَةَ، عَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، أَنَّهَا قَالَتْ: " مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَشْبَهَ كَلَامًا، وَحَدِيثًا مِنْ فَاطِمَةَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَكَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحَبَ بِهَا، وَقَامَ إِلَيْهَا فَأَخَذَ بِيَدِهَا، فَقبلَهَا، وَاجلسَهَا فِي مجلسِهِ " . هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ، وَلَمْ يُخْرَجْهُ.

روایت این حدیث: احمد بن حنبل، بخاری در الادب المفرد^{۱۳}، مسلم^{۱۴}، ابن ماجه^{۱۵}، ترمذی^{۱۶} و ابوداود^{۱۷} در کتبشان که صحاح سته اند روایت کرده اند، حاکم نیشابوری^{۱۸}، بیهقی^{۱۹} و دیگران^{۲۰} روایت کرده اند.

عبارت «کانت اذا دخلت علیه» دال بر استمرار است و این یک بار و دو بار و سه بار نبوده!؟ این چه معنایی دارد؟

- پیغمبر اکرم وقتی از مدینه می خواستند خارج شوند آخرین کسی که با او خداحافظی می کردند صدیقه طاهره بوده و وقتی برمی گشتند اولین کسی که پیغمبر اکرم با او ملاقات می کردند صدیقه طاهره بودند. معنایش چیست؟ «کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا سافر کان آخر عهده بإنسان من أهله فاطمه یا آخر عهده بإنسان من اول من یدخل علیه اذا قدم فاطمه علیها السلام»^{۲۱}

- بعضی از بزرگان اهل سنت می گویند: فاطمه زهرا افضل است هم از خدیجه سلام الله علیها امّ المؤمنین و هم از سایر ازواج رسول الله.

- درباره صدیقه طاهره، گفته اند: سیده نساء العالمین؛ سیده نساء اهل الجنة؛ سیده نساء المؤمنین؛ سیده نساء هذه الامة.

۱۳. الأدب المفرد، ص ۳۲۶.

۱۴. مشابه این روایت در صحیح مسلم نقل شده است: صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۴، باب (۱۵) باب فضائل فاطمة، بنت النبی، علیها الصلاة والسلام: حَدَّثَنَا أَبُو كَامِلٍ الْجَحْدَرِيُّ، فَضِيلُ بْنُ حُسَيْنٍ. حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ عَنْ فَرَّاسٍ، عَنْ عَامِرٍ، عَنْ مَسْرُوقٍ، عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: كُنْ أَزْوَاجَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. لَمْ يُعَادِرْ مِنْهُنَّ وَاحِدَةً. فَأَقْبَلَتْ فَاطِمَةَ تَمْشِي. مَا تُخْطِئُ مِنْ مَشِيئَةٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَيْئًا. فَلَمَّا رَأَاهَا رَحِبَ بِهَا. فَقَالَ «مَرْحِبًا بِابْنَتِي» ثُمَّ أَجْلَسَهَا عَنْ يَمِينِهِ أَوْ عَنْ شِمَالِهِ. ثُمَّ سَارَهَا فَبَكَتْ بَكَاءً شَدِيدًا. فَلَمَّا رَأَى جَزَعَهَا سَارَهَا التَّانِيَةَ فَضَحِكَتْ. فَقُلْتُ لَهَا: أَخْصَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ بَيْنِ نِسَائِهِ بِالسَّرَارِ. ثُمَّ أَنْتِ تَبْكِينَ؟

۱۵. ابن ماجه نیز همان روایت مسلم را نقل کرده است: سنن ابن ماجه، ج ۳، ص ۱۳۱، باب (۶۴) باب ما جاء في ذكر مرض رسول الله صلى الله عليه وسلم، قَالَتْ: اجْتَمَعْنَ نِسَاءُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَلَمْ تُعَادِرْ مِنْهُنَّ امْرَأَةً. فَجَاءَتْ فَاطِمَةَ كَأَنَّ مَشِيئَتَهَا مَشِيئَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «مَرْحِبًا بِابْنَتِي» ثُمَّ أَجْلَسَهَا عَنْ شِمَالِهِ، ثُمَّ إِنَّهُ أَسْرَأَ إِلَيْهَا حَدِيثًا، فَبَكَتْ فَاطِمَةَ، ثُمَّ إِنَّهُ سَارَهَا، فَضَحِكَتْ أَيْضًا، فَقُلْتُ لَهَا: مَا يُبْكِيكِ؟ قَالَتْ: مَا كُنْتُ لِأَفْشِي سِرَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقُلْتُ: مَا رَأَيْتِ كَالْيَوْمِ فَرِحًا أَقْرَبَ مِنْ حُزْنٍ، فَقُلْتُ لَهَا حِينَ بَكَتْ: أَخْصَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِحَدِيثِ دُونِنَا ثُمَّ تَبْكِينَ؟ وَ سَأَلْتُهَا عَمَّا قَالَ، فَقَالَتْ: مَا كُنْتُ لِأَفْشِي سِرَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حَتَّى إِذَا قَبِضَ سَائِلُهَا عَمَّا قَالَ، فَقَالَتْ: إِنَّهُ كَانَ يُحَدِّثُنِي أَنَّ جِبْرَائِيلَ كَانَ يُعَارِضُهُ بِالْقُرْآنِ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً، وَ أَنَّهُ عَارِضُهُ بِهِ الْعَامَ مَرَّتَيْنِ، «وَلَا أَرَانِي إِلَّا قَدْ حَضَرَ أَجْلِي، وَ أَنْكَ أَوْلُ أَهْلِي لِحُوقًا بِي، وَ نِعَمَ السَّلْفِ أَنَا لَكَ» فَبَكَتْ، ثُمَّ إِنَّهُ سَارَنِي فَقَالَ: «أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ، أَوْ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ؟» فَضَحِكَتُ لِذَلِكَ.

۱۶. سنن الترمذی، ج ۵، ص: ۵۱۲

۱۷. سنن أبی داود، ج ۴، ص: ۲۲۱۷

۱۸. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۹، باب ذکر مناقب فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله

۱۹. السنن الكبرى، ج ۷، ص ۱۰۱؛ شعب الإيمان للبيهقي، جزء ۱۸، ص ۴۳۵.

۲۰. سنن النسائي، ج ۵، ص: ۳۹۲

۲۱. مسند الإمام أحمد بن حنبل / ج ۳۷ / ص ۴۶ / ومن حديث ثوبان ، سنن أبی داود / ج ۴ / ۱۸۰۰ / (۲۱) باب ما جاء في الانتفاع بالعا ج ؛ السنن الكبرى (بيهقي)، ج ۱، ص ۲۶؛ المعجم الكبير (طبرانی)، ج ۲، ص ۱۰۳، ذهبی، ابن حجر مکی و دیگران روایت کرده اند.

این احادیث در کتاب بخاری^{۲۲}، کتاب مسلم^{۲۳}، مسند احمد^{۲۴}، کتب نسائی^{۲۵}، ترمذی^{۲۶}، ابن ماجه^{۲۷}، صحیح ابن حبان^{۲۸}، مستدرک حاکم^{۲۹} و دیگران روایت شده؛ ابن حجر عسقلانی هم روایت کرده است^{۳۰} (از نظر اهل سنت وی خیلی بزرگ است).

غضب الهی با غضب فاطمه

- پیغمبر اکرم می فرماید: «فاطمه بضعة منی» این حدیث به سند های معتبر در کتب دست اول آمده. در ذیل این عبارت، در بعضی از احادیث آمده: فمن اغضبها اغضبني، يؤذيني ما آذاها، يقبضني ما يقبضها و يبسطني ما يبسطنها، يسرنني ما يسرها.

این احادیث را در صحیح بخاری^{۳۱} صحیح مسلم^{۳۲} مسند احمد^{۳۳}، در بقیه صحاح سته، مستدرک حاکم نیشابوری^{۳۴}، ابوبکر بیهقی در سنن^{۳۵} طبرانی در معجم^{۳۶} روایت می کنند.

این حدیث دلالت دارد بر عصمت، بر ولایت کلیه صدیقه طاهره و بر اینکه جسارت به صدیقه طاهره کفر است.

در کتاب فیض القدير فی شرح الجامع الصغیر در ذیل این حدیث، می گوید: این حدیث دلالت دارد بر افضلیت صدیقه طاهره از شیخین. یعنی آنهایی که قائلند، افضلیت به ترتیب خلافت است، پس امیرالمؤمنین در مرتبه چهارم هستند^{۳۷}؛ خود آنها قائلند که صدیقه طاهره افضل از شیخین هستند. سپس می گوید: اگر کسی به صدیقه طاهره جسارت کند، کافر است.

ابن تیمیه ناصبی این حدیث را نمی تواند انکار کند و می گوید: امیرالمؤمنین خواستگاری کردند دختر ابوجهل را در زمان پیغمبر اکرم و صدیقه طاهره.^{۳۸} خبر به پیغمبر اکرم رسید و ایشان به این مناسبت فرمودند: «فاطمه بضعة منی من آذاها فقد آذانی».

این حدیث چنین صدر و ذیلی ندارد. و از جمله روایتش خود امیرالمؤمنین هستند.

۲۲. صحیح البخاری / ج ۶ / ۱۱۹ / باب مناقب قرابة رسول الله صلى الله عليه وسلم، و منقبة فاطمة - عليها السلام - بنت النبي صلى الله عليه وسلم ص : ۱۱۹

۲۳. صحیح مسلم / ج ۴ / ۱۹۰۵ / (۱۵) باب فضائل فاطمة، بنت النبي، عليها الصلاة والسلام ص : ۱۹۰۲

۲۴. مسند الإمام أحمد بن حنبل / ج ۲۸ / ۳۵۴ / حديث حذيفة بن اليمان عن النبي صلى الله عليه وسلم ص : ۲۷۵

۲۵. سنن النسائي / ج ۵ / ۸۱ / ۵۳ - حذيفة بن اليمان رضى الله عنه ۲ ص : ۸۰

۲۶. سنن الترمذی / ج ۵ / ۴۷۷ / [م تابع ۳۰ - ت ۱۰۴] ص : ۴۷۶

۲۷. سنن ابن ماجه / ج ۳ / ۱۳۱ / (۶۴)(۶۴) باب ما جاء في ذكر مرض رسول الله صلى الله عليه وسلم ص : ۱۲۸

۲۸. صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۸۸.

۲۹. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱۱، ص ۲۹

۳۰. فتح الباری، ج ۱۱، ص ۶۸

۳۱. صحیح البخاری / ج ۸ / ۱۹۹ / باب ذب الرجل عن ابنته في الغيرة و الإنصاف ص : ۱۹۹

۳۲. صحیح مسلم / ج ۴ / ۱۹۰۲ / (۱۵) باب فضائل فاطمة، بنت النبي، عليها الصلاة والسلام ص : ۱۹۰۲

۳۳. مسند الإمام أحمد بن حنبل / ج ۲۶ / ۴۶ / حديث عبد الله بن الزبير بن العوام. ص : ۲۲

۳۴. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱۱، ص ۵۹

۳۵. السنن الكبرى، ج ۷، ص ۳۰۷

۳۶. المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۴۰۴

۳۷. فیض القدير، ج ۴، ص ۴۲۱.

۳۸. منهاج السنة النبوية، ج ۴، ص ۲۵۰

ادامه روایت می فرماید: نه این که من فقط غضبناک می شوم بلکه خدا غضبناک می شود: «ان الله يغضب لغضب فاطمه». این مطلب را صحابه نقل کرده اند و در کتب عامه به سندهای معتبر وارد شده. از جمله خود امیرالمؤمنین روایت می کنند: «عن علی قال، قال رسول الله: لفاطمه ان الله يغضب لغضبک و یرضا لرضاک». حاکم نیشابوری می گوید: هذا حدیث صحیح الاسناد^{۳۹}.
راویان این حدیث: ابویعلیٰ موصلی^{۴۰} ابوالقاسم طبرانی^{۴۱} ابن النجار بغدادی^{۴۲} ابو نعیم اصفهانی^{۴۳} ابن حجر عسقلانی^{۴۴}، ابن الاثیر جزری^{۴۵}
رسول الله که ما ینطق عن الهوی، ان هو وحی یوحی؟! چرا این مطلب را و این حقیقت را اینگونه بیان کردند؟ مقصودشان چه بوده؟ در حالیکه مکرر این مطلب را گفته اند، هم در غیاب صدیقه طاهره هم در خطاب صدیقه طاهره.

آیات نازل شده درباره صدیقه طاهره

آیات نازل شده مثل آیه تطهیر، آیه مودت، آیه مباحله، سوره هل اتی و غیر این آیات.
صدیقه طاهره عضو کسانی هستند که این آیات در حقشان نازل شده و فردی از افراد اهل بیتی هستند که این آیات در باره شان نازل شده.
جالب این است که بعد از نزول آیه تطهیر، مدتها پیغمبر اکرم می رفتند، در خانه امیرالمؤمنین و صدیقه طاهره سلام الله علیهما را می زدند و می فرمودند: الصلاة الصلاة و برای نماز شب صدایشان می کردند و آیه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس و یطهرکم تطهیرا را تلاوت می کردند.

فصل سوم: صدیقه طاهره بعد از این عالم

خیلی از حقایق امور و واقعیات احوال در این عالم نسبت به اشخاص مخفی مانده بلکه احياناً بر عکس هم گفته شده اما عالم آخرت، عالمی است که در آنجا حقایق امور کشف می شود، حقایق احوال اشخاص کشف می شود، آن جا چیزی نیست کسی بتواند دخالت کند و چیزی کم و زیاد کند. از احادیث معلوم می شود که این مقداری که پیغمبر اکرم درباره صدیقه طاهره در رابطه به این عالم فرمودند، باز نسبت به حالات صدیقه طاهره سلام الله علیها در عالم آخرت باید بسنجیم که ببینیم صدیقه طاهره در عالم آخرت چه عظمتی دارند.
- ایشان مثل بقیه مردم وارد محشر خواهند شد اما چه خواهد شد؟ «عن علی علیه السلام قال سمعت النبی صلی الله علیه و آله یقول: اذا کان یوم التیامه نادى مناد من وراء الحجاب (ندایی می آید که گوینده دیده نمی شود) یا اهل الجمع (ای کسانی که الآن در محشر جمع هستید) غضوا ابصارکم عن فاطمه بنت محمد حتی تمر» (از این طرف وارد می شوند از آن طرف خارج می شوند). حاکم نیشابوری می گوید: هذا حدیث صحیح

۳۹. المستدرک علی الصحیحین ۳/ ۱۶۷ ح ۴۷۳۰.

۴۰. کنز العمال ۱۲/ ۱۱۱ رقم: ۳۴۲۳۸.

۴۱. المعجم الکبیر ۱/ ۱۰۸ ح ۱۸۲ و ج ۲۲/ ۴۰۱ ح ۱۰۰۱.

۴۲. کنز العمال ۱۳/ ۶۷۴ رقم ۳۷۷۲۵.

۴۳. فضائل الخلفاء - لأبی نعیم -: ۱۲۴ - ۱۲۵ ح ۱۴۰، کنز العمال ۱۲/ ۱۱۱ رقم ۳۴۲۳۸.

۴۴. الإصابه فی معرفه الصحابه ۸/ ۵۶، تهذیب التهذیب ۱۲/ ۴۴۲.

۴۵. أسد الغابه فی معرفه الصحابه ۶/ ۲۲۴.

علی شرط الشیخین^{۴۶}. معجم طبرانی^{۴۷} مجمع الزوائد^{۴۸} اسد الغابه^{۴۹} تاریخ بغداد^{۵۰} الصواعق المحرقة^{۵۱} کنز العمال^{۵۲} و منابع دیگر از اهل سنت این حدیث را آورده اند.

- حدیث دیگر «عن علی علیه السلام أخبرنی رسول الله صلی الله علیه و آله انّ اول من یدخل الجنة انا و انت و فاطمه و الحسن و الحسین. قلت: یا رسول الله فمحبونا؟ (آنهایی که نسبت به ما اهل ولایت هستند، چه می شوند؟) قال من وراءکم» این حدیث را حاکم نیشابوری دارد^{۵۳} زمخشری^{۵۴} ابن عساکر^{۵۵} و دیگران^{۵۶} دارند.

محل ورود فاطمه زهرا به بهشت: «أن النبی صلی الله علیه و سلم دخل علی فاطمة رضی الله عنها فقال: إني و إياک و هذا الثائم یعنی علیا و هما یعنی الحسن و الحسین لفي مکان واحد يوم القيامة».

حاکم می گوید: «هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یخرجاه»^{۵۷} این حدیث در مسند احمد، در کتاب ابوداود طیالسی، مسند ابویعلی، ابن النجار، خطیب بغدادی، ابن العساکر.

اینها بخشی از مطالبی بود که در منابع عامه از پیغمبر اکرم راجع به صدیقه طاهره داریم.

اما در منابع خودمان نسبت به صدیقه طاهره سلام الله علیها عالم دیگری است؛ علمشان، ولایتشان، ورع و تقواشان، فضائل و مناقبشان. روایتی در اصول کافی داریم که ولایت صدیقه طاهره سلام الله علیها همان ولایت کبرای رسول الله است و سند این روایت مطابق نظر شیخ مفید و بزرگان معتبر است.

این اجمالی بود از گفتارها و رفتارهای پیغمبر اکرم درباره صدیقه طاهره سلام الله علیها اما مردم چگونه باید با صدیقه طاهره سلام الله علیها رفتار کنند؟ این روایات و مطالب به گوش مردم رسیده، همچنانی که به گوش ما بعد از ۱۵ قرن رسیده. آنها چگونه باید با صدیقه طاهره سلام الله علیها رفتار کنند؟ چطور شد که به مجرد رحلت رسول الله، صدیقه طاهره سلام الله علیها تهدید شدند که خانه ات را آتش می زنیم؟!

۴۶. المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۵۲ و ۱۵۳.

۴۷. المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۰۸.

۴۸. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۳۴۰.

۴۹. اسد الغابة (طبع الأعلمی)، ج ۷، ص ۲۱۵.

۵۰. تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۴۱.

۵۱. الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۵۵۷.

۵۲. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۶.

۵۳. المستدرک علی الصحیحین، جزء ۱۱، ص ۳۱.

۵۴. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل / ج ۴ / ۲۲۰ / [سورة الشوری(۴۲): الآيات ۲۲ الی ۲۳] ص : ۲۱۹

۵۵. تاریخ دمشق، ابن عساکر، جزء ۱۴، ص ۱۶۹.

۵۶. الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۴۸.

۵۷. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۷.

ابن ابی شیبیه (استاد بخاری) در کتابش بنام المصنف می گوید: حین بویع لابی بکر بعد رسول الله کان علی و الزبیر یدخلان علی فاطمه بنت رسول الله فیشاورونها و یرتجعون فی امرهم فلما بلغ ذلك عمر بن الخطاب خرج حتی دخل علی فاطمه فقال: یا بنت رسول الله والله ما احد احب الینا من ابیک و ما احد احب الینا بعد ابیک منک و ایم الله ما ذاک بمانعی ان اجتمع هؤلاء النفر عندک ان امرتهم ان یحرق علیهم البیت^{۵۸}. در تاریخ طبری آمده: «اتی عمر بن الخطاب منزل علی و فیه طلحه و الزبیر و رجال من المهاجرین فقال و الله لا حرقن علیکم او لتخرجن الی البیعة^{۵۹}»

تا اینجا تهدید بود؛ اما فقط این نبود!! بلاذری (متوفای قرن سوم) در کتاب انساب الاشراف نقل می کند: ان ابابکر ارسل الی علی فلم یبایع فجاء عمر ومعه فتیله (آتش آورده) فتلتفته فاطمه علی الباب. همان فاطمه ای که پیغمبر اکرم در باره گفته اند و شما شنیدید. حضرت زهرا فرمودند: یا بن الخطاب اراک محرراً علی بابی (برای این جهت آمدی) قال نعم^{۶۰} برای همین آمدم. این مطلب در کتاب عقد الفرید هست^{۶۱}. در تاریخ المختصر فی اخبار البشر (تاریخ ابی الفداء) هم می گوید: دستور داده شد ان ابوا (اگر حاضر نشدند) فقاتلهم فاقبل عمر بشییء من نار علی ان یضرم الدار^{۶۲}. تا اینجا نسبت به آتش اشاره دارد.

نسبت به هیزم در کتاب مروج الذهب (از منابع تاریخی قدیم است)^{۶۳} نقل می کند از عروه فرزند زبیر؛ بعد از واقعه کربلا، عبدالله بن زبیر ادعای خلافت کرد و بنی هاشم در مکه اجتماع کرده بودند و حاضر نشدند با عبدالله بن زبیر بیعت کنند. عبدالله بن زبیر تصمیم گرفت که بنی هاشم را آنجایی که هستند هیزم و آتش آورده شود و همه را بسوزاند. اعتراض شد که این چه کاری است؟ جواب داده شد: که این مسبوق به سابقه است. قبلا این کار انجام داده شده. «عن عروه بن زبیر انه کان یعذر اخاه عبدالله فی حصر بنی هاشم فی الشعب و جمعه الحطب لیحرقهم قال عروه فی مقام العذر و الاعتذار لآخیه عبدالله بان عمر احظر الحطب لیحرق الدار علی من تخلّف عن البیعة لابی بکر».

۵۸ مصنف ابن ابی شیبیه (۴۳۲ / ۷) ۳۷۰۴۵ - حدثنا محمد بن بشر نا عبید الله بن عمر حدثنا زید بن أسلم عن ابيه أسلم أنه حين بويع لأبي بكر بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم كان علي والزبير يدخلان علي فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم فيشاورونها ويرتجعون في أمرهم فلما بلغ ذلك عمر بن الخطاب خرج حتى دخل علي فاطمة فقال يا بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم والله ما من أحد أحب إلينا من أبيك وما من أحد أحب إلينا بعد أبيك منك وأيم الله ما ذاك بمانعي ان اجتمع هؤلاء النفر عندك إن أمرتهم أن يحرق عليهم البيت قال فلما خرج عمر جاؤوها فقالت تعلمون أن عمر قد جاءني وقد حلف بالله لئن عدتم ليحرقن عليكم البيت وأيم الله ليمضين لما حلف عليه فانصرفوا راشدين فروا رأيكم ولا ترجعوا إلي فانصرفوا عنها فلم يرجعوا إليها حتى بايعوا لأبي بكر

۵۹ تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۲۰۲: ذکر الاخبار الواردة باليوم الذي توفي فيه رسول الله و مبلغ سنه يوم وفاته ص: ۱۹۹

۶۰ أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۸۶ أمر السقيفة: ص: ۵۷۹

۶۱ العقد الفريد، ج ۵، ص ۱۳.

۶۲ تاریخ المختصر فی احوال البشر (تاریخ ابی الفداء)، ج ۱، ص ۲۳۹: «فأقبل عمر بشيء من نار علی أن یضرم الدار فلقیته فاطمة رضی الله عنها وقالت: إلی أين یا ابن الخطاب أجتت لتحرق دارنا قال: نعم أو تدخلوا فیما دخل فیہ الأمة فخرج علی حتی أتی أبا بکر فبايعه كذا نقله القاضي جمال الدين بن واصل وأسندہ إلی ابن عبد ربه المغربي.»

۶۳ مروج الذهب، ج ۳، ص ۷۷، شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد ۲۰ / ۱۴۷.

در منابع دیگر^{۶۴} آمده به اینکه «ان عمر جاء الی بیت علی لیحرّقه علی من فیه فلقیته فاطمه فقال ادخلوا فیما دخلت فیه الامه»^{۶۵} در یکی از منابع دست اول بسیار قدیم که سید مرتضی از آن منبع نقل می کند، در هزار سال قبل، به سند اهل سنت، امام صادق فرمودند: والله ما بايع علی حتی رأى الدخان قد دخل بيته^{۶۶} تفصیل بیشتری اگر می خواهید به رساله ای که در این زمینه نوشته ام، نگاه کنید. البته قضیه فقط این نبود، که سقط جنین هم بود. سقط جنین را در منابع معتبر یافتیم. عده ای از بزرگان ناچار شدند این مطلب را هم بگویند.

۶۴ کتاب [روضه المناظر فی أخبار الأوائل والأواخر] لابن الشحنة المؤرخ المتوفى سنة ۸۸۲

۶۵ محاضرات فی الاعتقادات، ج ۲، ص: ۵۱

۶۶ الشافی فی الامامة ۳ / ۲۴۱.